جشن عید در شهرری

به مناسبت آغاز ولایت حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام جشن کودکانه غدیر، امروز از ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه با ویژه‌برنامه‌های متنوع کودکانه از جمله اجرای برنامه‌های جذاب عمو روحانی، نمایش عروسکی، اجرای گروه تواشیح و مسابقات فرهنگی در مصلای بزرگ ری برگزار خواهد شد. این مراسم با هدف ترویج و نهادینه کردن فرهنگ غدیر و تبیین جایگاه امامت و ولایت با زبان کودکانه در میان کودکان و نوجوانان، بزرگداشت اعیاد مذهبی و ایجاد فضای معنوی و شاد در این ایام برای کودکان و نوجوانان در آستان مقدس تدارک دیده شده است.

همچنین سه‌شنبه ۲۹ مرداد مصادف با روز عید غدیرخم نیز ویژه‌برنامه‌ای با سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین حسنی و مدیحه‌سرایی حاج داوود خورشیدی و اجرای گروه تواشیح محراب از ساعت ۱۲ به همراه اقامه نماز عید غدیر در مصلای بزرگ ری برقرار است.

یادداشت

ما هم سید شدیم!

فاطمه عودباشی
رسانه

دو سه هفته پیش بود و مثل روزهای قبل، بعد از تمام شدن کار صحبت‌هایمان به حاشیه کشیده شد. من و خانم مجلسی سر سرویس بودیم همراه دبیرمان آقای ملوندی. نمی‌دانم چه شد که بحث‌مان به سادات رسید. در ادامه بحث، من بی‌هوا داستان سادات بودن مادربزرگم را تعریف کردم که آدم خاصی در روستای خودشان بودند و مردم به حکم سادات بودن‌شان برایشان نذر می‌کردند و بعد از این‌که حاجت‌روا می‌شدند، نذرشان را ادا می‌کردند. همان لحظه دبیر سرویس به من گفت خب! خانم عودباشی شما هم جزو سادات و از نسل امیرالمومنین(ع) و پیامبر(ص) هستید! در حالی که گیج و منگ بودم خطاب به دبیرمان گفتم نه! من سید نیستم! چون مادربزرگم فقط سید بودند و هیچ‌کدام از ما سادات نیستیم، اما خبر خوش را آقای ملوندی داد و به من گفت دو نفر از علمای مشهور شیعه به نام‌های سید مرتضی و محدث بحرانی معتقد بودند سیادت از مادر هم می‌رسد و در ادامه تفسیر عیاشی را ذکر کردند.

راستش بعد از شنیدن این تفاسیر، حس فوق‌العاده‌ای داشتم، حسی که نمی‌شود با واژه‌ها آن را توصیف کرد، چون از بچگی وقتی در مدرسه دوستانم را می‌دیدند که سید هستند، ناراحت می‌شدم و به مادرم می‌گفتم پس چرا ما سید نیستیم و مادرم هم همیشه می‌گفت اشکال ندارد در عوض مادربزرگتان سید بوده و بارها بارها از خوبی‌های مادربزرگم می‌گفت که من توفیق دیدن او را هرگز نداشتم. حالا از دو هفته پیش من هم سادات شدم و جالب است برخی همکاران تحریریه از آن روز تا به حال که من به آنها اطلاع‌رسانی کرده‌ام که سادات هستم، من را فاطمه سادات صدا می‌کنند. حتی اگر از نظر فقهی هم سید نباشم اما شنیدن این واژه، آن هم در ۴۰ سالگی، هم شیرین است و هم دلچسب. البته بگذریم که برخی همکاران هم از من خواستند روز عید غدیر به آنها عیدی بدهم. حال مانده ام بهترین عیدی‌ای که سادات باید بدهند چه می‌تواند باشد؟!

یادداشت

یاعلی ذکر قیام قائم است

سیدمهدی یکه‌سادات
جام‌جم

از کودکی همیشه دو عید برایم جذابیت خاصی داشت؛ عید نوروز و عید غدیر. برای هر دو عید جنب‌وجوش خاصی در خانه ما برپا بود از خانه‌تکانی گرفته تا تهیه و تدارک میوه، شیرینی و شربت و در نهایت اجازه مادر برای پوشیدن رخت و لباس‌های مهمانی‌مان. البته مهم‌ترین قسمت آمدن مهمان‌ها به خانه‌مان بود. در دوران بچگی تنها تفاوتی که بین عید نوروز و عید غدیر برایمان وجود داشت این بود که عید غدیر ما از خانه بیرون نمی‌رفتیم و به مهمانی نمی‌رفتیم و می‌نشستیم تا مهمان‌ها برای تبریك گفتن به خانه‌مان بیایند. کمی بزرگ‌تر که شدم، پدرم هدایایی تهیه می‌کرد و به من می‌داد تا به دوستانم عیدی بدهم، اما صادقانه بگویم تا شبی که آن خواب عجیب و پرمعنا را دیدم هنوز غدیر را درك نکرده بودم و تنها درکم از روز غدیرخم، زیباروزی بود که دوستان و آشنایان به دیدنمان می‌آمدند و به ما به خاطر سیدبودنمان تبریك می‌گفتند. هنوز با این‌که سال‌ها از آن خواب عجیب می‌گذرد، به‌یادآوردنش آتشی در درونم شعله‌ور می‌کند. خواب نوری که از دیوار خانه به درون تابید و باعث بیهوش شدنم شد و وقتی که به‌هوش آمدم زنجیری بر گردنم بود که در نقطه اتصالش نام کعبه و نجف نوشته شده بود. فردای آن شب آغازگر تحولی شگرف در درونم بود. آرام و قرار نداشتم، نمی‌دانستم چه کار باید بکنم و در نهایت وقتی با پدرم در مورد آن خواب صحبت کردم، مرا پیش روحانی عزیزی برد. او چشمانم را به روی واقعه غدیر باز کرد. برایم از خطبه غدیر گفت.

از آن روز با خود عهد کردم تمام توانم را به کار گیرم تا بتوانم لیاقت داشتن نام سید و کنیه‌ای را که از پیامبر(ص) و امام بزرگوار حضرت علی(ع) به ارث برده‌ام، پیدا کنم.

گفت‌وگوی جام‌جم با ۲ سینماگر
درباره حال و هوای عید غدیر خم

پولی که برکت داشت

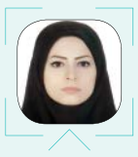

ساناز قنبری
سینما

جایگاه هجدهمین روز از ماه ذی‌الحجه به قدری والا و ارزشمند است که به آن عیدا... اکبر و عید آل‌محمد(ص) هم می‌گویند. روزی که فرا رسیدنش در بین شیعیان رسم و رسومات شیرینی هم با خود به‌همراه می‌آورد. شب عید غدیر و صبح روز عید که می‌شود مردم برای ادای احترام به دیدار سادات می‌روند و سادات با شربت و شیرینی از آنها پذیرایی می‌کنند و سکه یا اسکناسی به آنها هدیه می‌دهند.

البته مرسوم است پولی که به عنوان هدیه در روز عید غدیر از دست سادات گرفته می‌شود خرج نشود و آن را به عنوان تبرك و برکت نزد خود نگه دارند.

قدیم‌ترها البته رنگ اسکناس‌ها براساس نسبت دور و نزدیك یا حتی نام‌کوچك تغییر می‌کرد. تغییر از این جهت که مثلا دخترانی که نامشان فاطمه و پسرانی که نامشان علی بود یا نوزادان یا عروس‌ها و دامادها که نزدیك‌تر محسوب می‌شدند اسکناس‌های خوش‌رنگ و لعاب‌تری می‌گرفتند.

از دیگر رسم و رسوماتی که معمولا در این روز برگزار می‌شود آذین‌بندی شهری و معابر است. به شکلی که اگر مثلا گردشگری به طور اتفاقی در این روز گذرش به یکی از شهرهای ایران افتاد از ریسه‌ها و چراغانی‌های رنگی پشت پنجره خانه‌ها متوجه شود که اتفاق نشاط‌آوری در جریان است.

به هر حال که سادات و غیرسادات ندارد در این روز دل تمام شیعیان شاد است.

در ادامه این گزارش سراغ دو نفر از سینماگران رفتیم تا حال و هوای روزهای خجسته عید غدیر را جویا شویم.

عیدی‌های پربرکت مامان اتی

رضا داوودنژاد، بازیگر سینمای ایران که در فیلم‌های سینمایی چون «هوو»، «چپ دست»، «نیش زنبور»، «مرهم» و «خیابان‌های آرام» بازی کرده است در گفت‌وگو با جام‌جم از دورهمی‌های فامیلی در روز عید غدیر می‌گوید. او با اشاره به این‌که امسال اولین سالی است که در این روز «مامان اتی» (احترام سادات حبیبیان) کنارشان نیست، ادامه می‌دهد: ما از هر بهانه‌ای استفاده می‌کردیم برای این‌که به خانه مادربزرگم، مامان اتی برویم و او را ببینیم. عید و غیر عید هم نداشت، در خانه‌اش همیشه به روی ما باز بود. این اواخر البته به قدری درگیر کار می‌شدیم که کمتر فرصت می‌شد به دیدارش برویم و الان حسرتش را می‌خوریم.

داوودنژاد، از مادربزرگش به عنوان ستون خانواده یاد می‌کند و ادامه می‌دهد: مامان اتی خیلی مهربان بود و حواسش به تمام بچه‌ها و عروس‌ها و دامادها و نوه‌ها بود. هرکدام از ما هروقت حالمان بد بود پیش او می‌رفتیم و او با انرژی مثبتی که داشت حالمان را خوب می‌کرد.

او می‌گوید: مادربزرگم سادات بود. روز عید غدیر که می‌شد همه ما به خانه‌اش می‌رفتیم و او اسکناسی را از لای قرآن در می‌آورد و به ما می‌داد و اگر هم پیش می‌آمد عیدی در منزلشان نباشیم حتما تلفن می‌زدیم و تبریك می‌گفتیم.

داوودنژاد می‌افزاید: یادم هست اسکناس‌هایی را که مادربزرگم در این روز هدیه می‌داد در زمان بچگی خرج می‌کردم، اما بزرگ که شدم نگهش می‌داشتم. آن زمان‌ها وقتی دور هم جمع می‌شدیم من ادای همه اعضای خانواده را درمی‌آوردم و مادربزرگم نه‌تنها ناراحت نمی‌شد بلکه می‌خندید. مادربزرگم زن بسیار متدینی بود و در تمام اعیاد و عزاداری‌ها قرآن می‌خواند.

«مصائب شیرین»، فیلمی بود که نام رضا داوودنژاد را بر سر زبان‌ها انداخت و نامزدی بهترین بازیگر نقش اول مرد هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر و دعوت برای حضور در جشنواره سینمایی فوکوئوکای ژاپن را برای او به ارمغان آورد. داوودنژاد درباره فعالیت‌های کاری امروزش توضیح می‌دهد: پنج سالم بود که نخستین فیلم سینمایی‌ام «بی‌پناه»، را همراه با فریماه فرجامی و دیگر دوستان بازی کردم، اما از سال ۷۶ به طور حرفه‌ای وارد این حوزه شدم و تا امروز این حرفه را با عشق ادامه دادم. الان هم مشغول سریال «پس از آزادی» به کارگردانی محمدعلی باشه آهنگر هستم.

او در پاسخ به این‌که چرا خودش را محدود به ژانر کمدی کرده، پاسخ می‌دهد: محدود به این گونه نیستم و در فیلم‌های سینمایی مثل «فراری» «مصائب شیرین ۲» (قرار است آبان ماه اکران شود) و... که فیلم‌هایی اجتماعی بودند نقش جدی داشتم.

عیدی‌ام را درجا خرج می‌کردم

در ادامه سراغ سید جمال ساداتیان، تهیه‌کننده پیشکسوت سینما رفتیم.

ساداتیان که تهیه‌کنندگی آثاری چون «آذر، شهدخت، پرویز و دیگران»، «چهارشنبه‌سوری»، «به رنگ ارغوان» و «برف روی کاج‌ها» را در کارنامه کاری خود دارد، درباره رسم و رسومات عید غدیر در قدیم توضیح می‌دهد: مرحوم پدرم در این روز جشنی می‌گرفتند و اقوام و دوستان را دعوت می‌کردند و هدیه‌ای هم به عنوان تبرك می‌دادند.

او می‌افزاید: خاطرم هست آن زمان‌ها وقتی از پدرم در روز عید غدیر عیدی می‌گرفتم درجا آن را خرج می‌کردم.

حواشی اخیر انتخاب فیلم ایرانی برای حضور در اسکار هم باعث شد که گوشه‌ای به این مساله بزنیم. هرچند ساداتیان سعی می‌کند دیپلماتیک با این مساله برخورد کند و از کنار آن بگذرد. او که این روزها فیلم «متری شیش و نیم» را در مقام تهیه‌کننده دارد در پاسخ به این‌که چرا فیلمش را از ورود به آکادمی اسکار کنار گذاشتند، می‌گوید: نمی‌دانم، از هیات انتخاب بپرسید که چرا «متری شیش و نیم» را انتخاب نکردند!

قنبریان عقیده دارد در مدل مردم‌سالاری که اکنون در حال تجربه آن هستیم، هم رسانه و هم گروه‌های مرجع و احزاب از ارکان مردم‌سالاری محسوب می‌شوند. الان مانند دوره قدیم نیست که یک حاکم همه کاره جامعه باشد. رسانه، سهم گروه‌های مرجع، جریان‌ها و رهبران همه مسؤولیت دارند

در آستانه عید غدیر سراغ کسی رفتیم که حرف‌های جذابی درباره ولایت می‌زند

حقیقتی برگونه اساطیر

محمدصادق علیزاده
فرهنگ و هنر

این روزها ویدئوی حرف‌هایش در یکی از برنامه‌های تلویزیونی دارد در فضای مجازی دست به دست می‌چرخد. روحانی خوش‌لباسی که خیلی صریح و بدون تپق دارد از حکومت‌داری حضرت امیر(ع) صحبت می‌کند و در ضمن حرف‌هایش، انتقادات صریحی هم به بعضی مسؤولان کشور می‌کند. نوع مصادیق و اشاراتی که در بحث دارد مشخص می‌کند که با نهج‌البلاغه و سیره حضرت امیر(ع) آشنایی زیادی دارد. همین هم باعث شد که در روز عید غدیر سراغ کسی برویم که کدها و اشاراتش به حضرت علی(ع) به دل خیلی‌ها نشسته است. حجت‌الاسلام محسن قنبریان، طلبه ساکن قم به راحتی و بدون هیچ تشریفاتی پاسخ‌گویمان بود و حرف‌هایش مثل همان برنامه تلویزیونی به دل نشست. برای سهولت در خواندن، صحبت‌های او را تقسیم‌بندی کردیم.

حکومت‌داری به شیوه علی(ع) چه خصوصیاتی دارد؟

حضرت امیر(ع)، آرمان را مطرح و در ادامه به طور جدی به دنبال تحقق آن آرمان حرکت می‌کرد. نکته مهم‌تر اما این بود که در صورت محقق نشدن هر کدام از آن آرمان‌ها، حضرت یک تابلوی «محقق نشد» کنارش نصب می‌کرد و توضیح می‌داد که در این مسیر بودم و در این مسیر حرکت کردم ولی موفق نشدم آن را محقق کنم! این نکته مهمی است. در جلد هشتم اصول کافی، حضرت ۲۵ مورد را ذکر می‌کنند که هنوز موفق به تحقق آن نشده‌اند. بعضی از اینها اقتصادی هستند، بعضی فرهنگی و... مثلا اشاره‌ای به یک بدعت دینی می‌کنند. بعد از جنگ جمل عده‌ای از ایشان درخواست می‌کنند نماز مستحبی را به امامت ایشان بخوانند. چیزی که در دین بدعت است. حضرت می‌گویند من زیر بار آن نرفتم. آنها اما توی صورت خودشان زدند و فریاد وا اسلاما سر دادند. جالب این که در نهایت این کار را انجام دادند. یعنی این بدعت در لشکر خود حضرت امیر(ع) اتفاق افتاد نه در لشکر معاویه! در مورد دیگری در حوزه اقتصادی، چند روز بعد از بیعت سخنان مهمی دارند که خیلی هم شنیده شده. این که اگر کسانی اموال بیت‌المال را کابینه زنان کرده باشند من آن را پس می‌گیرم. خب بعضی از این موارد امکان تحقق پیدا نکرد و خود حضرت آنها را بر می‌شمارند که هنوز این کارها نشده است. این مهم است که کنار بانک این تابلو را بزنیم که این مدل بانکداری، بانکداری اسلامی نیست ولی ما در تعقیب آن هستیم. این صداقت بین مردم و حاکمیت مهم است. مثلا شما نمونه‌هایی از آن را در رفتار رهبر انقلاب می‌بینید.

آسان گرفتن بر مردم، سخت گرفتن بر مسؤولان!

حضرت امیر(ع) به عنوان حاکم اسلامی، رفتارشان نسبت به رعیت و مردم سهل و آسان‌گیر اما در برخورد با مسؤولان و کارگزاران حکومتی، سخت و قاطع بود. مثلا همین بحث اشرافیت که در جامعه رواج پیدا می‌کند.

نمونه‌هایی داریم که حضرت امیر در مورد مردم عادی که مسؤولیتی در حکومت نداشتند در حد توصیه از کنار موضوع گذشته‌اند اما همین موضوع اگر در مورد کارگزاران حکومتی و حوزه مذهب و دین وارد می‌شد، برخوردهای ایشان بسیار جدی و قاطع بود؛ بعضا حتی در مورد عطر و بخور یک کارگزار حکومتی و حاکمیتی برخورد می‌کردند.

از نگاه ایشان کارگزار حکومت دینی باید ساده زندگی کند. حاکم اسلامی خودش نان جو می‌خورد. درباره مردم می‌گویند که من چندوعده را محقق کردم: همه مردم تحت حکومتم نان گندم برای خوردن و سرپناهی و سایه‌ای بالای سر دارند. یعنی بیغوله‌نشین و کارتن‌خواب وجود ندارد. در نهایت هم ذکر می‌کنند که مردم تحت حکومت ایشان آب برای آشامیدن دارند. این در حکومت دینی یک اصل است که رهبران و کارگزاران در مساله حکومت در آخر صف و در مساله جهاد و جنگ و مبارزه در اول صف! از کارگزارانش انتظار نان جو نداشت ولی زندگی در حد اقشار ساده مردم را به شدت مطالبه می‌کرد. این نکته مهم است که مردم ببینید مسؤولان در زمان خدمت در صف اول هستند اما در زمان بهره‌مندی جزو آخرین نفرات جامعه قرار می‌گیرند.

اهل تعارف نبود

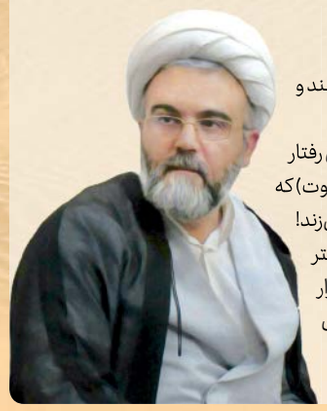

نکته مهم دیگر در حکومتداری حضرت علی(ع) این است که این‌طور نبود که اهل تعارف باشند و به موعظه و توصیه بسنده کنند.

نامه‌های تند و تیزی که در نهج‌البلاغه خطاب به بعضی از کارگزاران می‌بینید نمونه‌های این رفتار محسوب می‌شوند. مثلا در مورد یکی از کارگزاران به ایشان اطلاع می‌رسد(منذر بن جاروت) که اهل تجمل و اشرافیت است و ردای گران قیمت تن کرده و رفتارهای اشرافی از او سر می‌زند! حضرت به او نامه می‌نویسد که اگر این چیزهایی که به من گزارش شده درست باشد، شتر خانه و بندکفش تو از تو بهترند! نکته مهم این است که اینها مطالب درگوشی نبوده که هزار سال بعد عمومی شده باشد. اینها در فضای اجتماعی گفته می‌شده است. گفتن در فضای اجتماعی باعث بازدارندگی می‌شود.

به نهج‌البلاغه برگردیم

در تجربه مذهبی خودمان از زمان صفویه به این طرف، مدح و فضائل ماورایی علی(ع) را دست ما دادند ولی نهج‌البلاغه را از ما گرفتند. در تشریح مناقب ایشان تا قبل از خلقت می‌رویم که همه اینها درست هم هست اما مساله آنجاست که رکن و مساله اصلی امیرالمومنین(ع) که عدالت باشد را به حاشیه می‌بریم. حاشا که جمهوری اسلامی به مانند صفویه شده باشد ولی حداقل آن‌که نهج‌البلاغه از دهه ۶۰ از سر سفره انقلابی‌ها کم شد. بعد هم که در دهه ۷۰ به سمت دیگری رفتیم و دیدیم اگر بخواهیم هرجای نهج‌البلاغه را بخوانیم، یقه کسی را می‌گیرد.

این حرف‌ها سیاه‌نمایی و یاس نیست؟

بعضی طوری برخورد می‌کنند که انگار ما داریم این چیزها را برای اولین مرتبه افشاگری می‌کنیم. نه این‌گونه نیست! آن صورت و چارچوبی که پیدا می‌کند مهم است. این‌که دشمن سر این حرف‌ها تجمع می‌کند یا گفتمان امام و رهبری و نهج‌البلاغه احیا و موجب بیداری مردم می‌شود. خط و مرز سیاه‌نمایی و مایوس شدن با انذار و هشدار دادن اینجاست. به نظر من این صورت‌بندی موجب برگشتن به نهج‌البلاغه می‌شود. در ابتدا هم به دلیل غریب بودن ممکن است هزینه‌هایی داشته باشد که همین الان رهبری جلودار این فرهنگ و این حرکت است. آیت‌ا... خامنه‌ای در تفسیر ماجرای غدیر و آیه «انما ولیکم الله» که در قرآن آمده این سوال را مطرح می‌کنند که چرا بین این همه نشان و خصوصیت، صفت انفاق کردن آن‌هم در حال رکوع می‌شود نشانه کسی که ولایت دارد؟! تعبیر ایشان این است که چون ولی ولو به اندازه تمام شدن یک نماز هم نباید در برابر فقر ساکت باشد! ولی خدا حتما بهترین شمشیرزن یا جنگاور نیست، ولی حتما عدالت گستر است و نسبت به محتاجی که به مسجد آمده ولو به اندازه اتمام نماز صبر نمی‌کند. خب اینها هم غدیر است چرا از اینها نمی‌گوییم.